

کشور طی چند ماه گذشته نیز ناشی از همین پدیده است. با این همه، ریشه اصلی این سیاست‌ها و این چرخش‌ها را که هزینه‌های هنگفتی برای مملکت در پی داشته باید در پشت کردن به نظریه‌های شناخته شده علم اقتصاد جست‌وجو کرد و چون جوابگویی در کار نیست، این امر به راحتی و مکرر صورت گرفته، می‌گیرد و خواهد گرفت.

آن روز که سیاست‌گذاران در سال‌های ۸۴ و ۸۵ به گسترش بی‌رویه حجم پول دست زده بودند، در مقابل هشدارهای صاحب‌نظران، به صراحت از نفی تئوری مقداری پول در اقتصاد ایران سخن می‌راندند و از یک گسست در مرتبط بودن تورم با انبساط پولی یاد می‌کردند که ویژه اقتصاد ما است! از هر دری برای توجیه نفی این ارتباط سخن می‌راندند، بدون توجه به این اصل شناخته شده که تورم به عنوان یک پدیده پولی معمولاً با یک وقفه یا تأخیر زمانی در مقابل گسترش نقدینگی عمل می‌کند. طول این وقفه هم برای اقتصاددانان - حتی در رشد یافته‌ترین اقتصادها - مشخص نیست و از همین رو است که حتی برای هموار کردن نوسانات رونق و رکود نیز در استفاده از تغییر عرضه پول یا نقدینگی به شرط احتیاط تأکید می‌شود. حال پس از چند سال، درستی تئوری مقداری پول در خصوص ارتباط بین گسترش نقدینگی و تورم را حتی با نگاهی ساده، بدون پیچیدگی‌های مدل، به وضوح می‌توان در نمودار فوق مشاهده کرد. نمودار، این ارتباط را در هشت سال گذشته یعنی از ابتدای تک‌نرخ کردن ارز که قیمت‌ها شفافیت بیشتری یافتند، با یک وقفه دو ساله نشان می‌دهد. آیا این واقعیت و نادیده گرفتن آن و مبتلا کردن جامعه به مشکل تورم حادتر (۱۹/۴ درصد به طور متوسط طی چهار سال گذشته در مقابل ۱۵/۵ درصد در چهار سال یا هشت سال قبل از آن) پاسخگویی مسئولان را طلب نمی‌کند؟ ■

تا آنجا پیش رفت که در این رابطه به قانون‌گذاری پرداخت. لیکن غیرواقع‌بینانه بودن این برخورد دستوری باعث شد که امروزه چرخش ۱۸۰ درجه‌ای آن را شاهد باشیم که بانک‌ها برای جذب سپرده‌ها با نرخ ۱۹ درصد، به مسابقه برخاسته‌اند. آیا این امر پدیده‌ای نیست که پاسخگویی جدی سیاست‌گذاران را طلب کند؟

شبهه همین حرکت را در عرضه پول می‌توان ملاحظه کرد. در سال‌های ۸۴، ۸۵ و ۸۶ به ترتیب شاهد رشد ۳۴، ۳۹ و ۲۸ درصدی نقدینگی و سپس توقف یکباره آن هستیم؛ به طوری که در نیمه اول سال ۸۷ رشد نقدینگی تنها به ۱/۸ درصد رسید. چرخش ۱۸۰ درجه‌ای این سیاست یا انبساطی و انقباضی بودن سیاست پولی را با ملاحظه «مانده حقیقی» که از تقسیم نقدینگی به شاخص قیمت به دست می‌آید، بهتر می‌توان ملاحظه کرد. این متغیر که حجم پول را در رابطه با سطح قیمت‌ها به تصویر می‌کشد، بازگوکننده این واقعیت است که در سطح قیمت‌های بالاتر، تقاضا برای پول جهت مبادلات و نهایتاً فشار برای تسهیلات در بازار پول بیشتر بوده است. حال اگر همزمان با شعله‌ور شدن تورم که خود از رشد بی‌رویه نقدینگی در سال‌های پیش حاصل شده، رشد عرضه پول هم متوقف گردد، شدیدترین فشار بر بازار پول یعنی سیاست بسیار انقباضی پول را شاهد خواهیم بود. مانده حقیقی از رقم ۳۹۶ هزار و ۵۶۰ میلیارد ریال (به سال پایه ۱۳۷۶) در سال ۸۶ به ۳۱۹ هزار و ۲۸۱ میلیارد ریال در انتهای نیمه اول سال ۱۳۸۷ رسیده و این بدان معنی است که تورم نه تنها رشد بی‌سابقه عرضه پول را خنثی کرده، بلکه مقدار آن به طور حقیقی کمتر از گذشته شده است (رشد منفی معادل ۱۹/۴ درصد). قفل شدن حرکت بسیاری از بخش‌های اقتصاد

تعیین حداقل مزد، عوامل و ضوابط آن

نان بخور و نمیر



نگاه دکتر علی‌الله همدانی، کارشناس مسایل اقتصادی و عضو انجمن مدیران صنایع به روند تعیین حداقل دستمزد در کشور

● تعیین حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی اعلام می‌شود.
● حداقل مزد بدون در نظر گرفتن مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محول شده، باید به اندازه‌ای باشد که زندگی یک خانواده استاندارد - از نظر تعداد نفرت - را تأمین نماید. همان‌طور که تصریح شد، در ایران شورای عالی کار - متشکل از نمایندگان اصناف کارفرمایی، کارگری و دولت - وظیفه تعیین حداقل مزد را به عهده دارد، در حالی که در اکثر کشورهای جهان، این امر با انعقاد پیمان دسته جمعی بین تشکلهای کارفرمایی و کارگری صورت می‌گیرد.

معیارها و ضوابط تعیین حداقل مزد

لازم است که به منظور تعیین حداقل مزد - اعم از این که توسط دولت یا ضمن انعقاد پیمان دسته جمعی و یا نمایندگان سه جانبه تعیین شده است - برخی ضوابط و معیارها مدنظر قرار گیرند تا عوارض و آثار ناخوشایندی متوجه اقتصاد کشور و زندگی کارگران نگردد. این معیارها عبارتند از: ظرفیت و امکان پرداخت از سوی کارفرمایان یا شرایط اقتصادی کارفرما، شرایط اقتصادی کشور، نیازهای اصولی کارگران یا سبد هزینه، ارزش واقعی خدمات کارگران، تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی، قدرت و همبستگی تشکلهای کارفرمایی و کارگری، شرایط اقتصادی جهان و تأثیر آن بر اقتصاد کشور، موازین بین‌المللی از جمله مقاوله نامه‌ها و توصیه نامه‌ها، رقابت در بازارهای جهانی، سیاست‌های خارجی حاکم بر جهان و ایران، ضرورت‌های توسعه اقتصادی.

به طوری که ملاحظه می‌شود، در تعیین حداقل دستمزد، باید عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مدنظر قرار گیرند، تا اهداف مورد نظر تحقق یابند.

اهداف تعیین حداقل مزد

همان‌طور که خاطر نشان شد، دولت‌ها و تشکلهای کارگری و کارفرمایی در تعیین

مسأله‌ای که به نزدیک شدن به ماه‌های پایانی سال ۸۷ مورد توجه محافل اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته است، تعیین حداقل مزد کارگران در سال ۸۸ می‌باشد. این مسأله که طبق روال معمول دو ماهه پایانی هر سال، توجه کارفرمایان و کارگران را به خود جلب می‌نماید، همچنان بحث و گفت‌وگوهایی را بر می‌انگیزد و جلساتی با حضور گروه‌های کارفرمایی و کارگری و گاه دولت تشکیل می‌گردد که سرانجام با طرح موضوع در شورای عالی کار و اخذ تصمیم نهایی در مورد تعیین حداقل مزد، پایان می‌پذیرد. بدون تردید، هدف از تعیین حداقل مزد، حفظ سطح معاش و رفاه کارگران و جلوگیری از بروز هرگونه تبعیض بین گروه‌های مختلف کارگری می‌باشد. امسال نیز مباحث مربوط به این موضوع، از هم‌اکنون در تشکلهای کارفرمایی و کارگری آغاز شده است. هرچند طبق ماده ۱۳ لایحه طرح تحولات اقتصادی که اخیراً تقدیم مجلس شده است، به محض اجرای این قانون، الزام افزایش حقوق کارکنان و دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۱۵۰ قانون برنامه چهارم توسعه و مواد ۶۴ و ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۴۱ قانون کار، موقوف الاجرا خواهد شد و کل قوانین مغایر با قانون مزبور لغو می‌گردند، ولی تا تصویب و اجرای لایحه مذکور، موضوع تعیین حداقل مزد همچنان بحث داغ محافل اقتصادی و کارگری خواهد بود. لازم به یادآوری است که تعیین حداقل مزد در کشور ما سابقه‌ای ۶۰ ساله دارد و این موضوع طی اولین لوایح قانون کار کشور در سال ۱۳۲۵ شمسی پیش‌بینی شده بود، ولی با تصویب قانون کار در سال ۱۳۲۸ جنبه اجرایی یافت و اولین حداقل مزد به میزان روزانه ۳۱ ریال، در همان سال تعیین شد.

مراجع تعیین حداقل مزد در سایر کشورها عبارتند از: دولت و سازمان‌های دولتی، شورا یا کمیته‌ای که از سوی دولت تعیین می‌شود، پیمان دسته جمعی و قرارداد کار. در کشور ما به موجب ماده ۴۱ قانون کار، تعیین حداقل مزد از وظایف شورای عالی کار است. بنابر ماده مذکور، شورای عالی کار موظف است تا هر سال میزان حداقل مزد کارگران فعال را در صنایع مختلف در نقاط گوناگون کشور و با در نظر گرفتن معیارهای ذیل تعیین نماید:

واحدهای یادشده همراه باشد. موضوع مهم دیگر در ارتباط با تعیین حداقل مزد، جلوگیری از بروز تبعیض - اعم از تبعیض نژادی، جنسی، زبانی و طبقه اجتماعی - است.

حداقل مزد سال ۸۸

اکنون این سؤال مطرح است که با عنایت به ضوابط و معیارهای یادشده و لحاظ کردن وضع اقتصادی کشور، برای سال ۸۸ چه باید کرد؟
برای تعیین حداقل مزد در سال ۱۳۸۸ باید نکات زیر را مورد توجه قرار داد:

- بحران اقتصادی و مالی جهان با توجه به آثار موج دوم آن
- کاهش بهای نفت و تأثیر زیان بخش آن بر اقتصاد کشور، به ویژه واحدهای صنعتی - تولیدی
- وضعیت واحدهای اقتصادی کشور، رکود بازار و انباشته شدن کالاها در انبار
- سیاست کشورهای صادرکننده کالا به کشور ما در زمینه دامپینگ و زیان وارده به صاحبان صنایع و واحدهای اقتصادی
- کاهش نرخ تورم در ماه‌های پایانی سال.

مجموع این نکات ایجاب می‌نماید تا موضوع تعیین حداقل مزد از سوی تشکل‌های کارگری و کارفرمایی با درایت و واقع‌بینی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد و رقمی تعیین گردد که ضمن رعایت مقررات، نکات فوق را نیز مورد توجه قرار دهد. ■

حداقل مزد، اهدافی را مورد توجه قرار می‌دهند که غالباً جنبه اقتصادی - اجتماعی داشته و به منظور بهبود وضعیت معیشتی کارگران و فراهم آوردن امکانات زندگی مطلوب برای آنان می‌باشد.

با استناد به آنچه بیان شد، اهداف تعیین حداقل مزد عبارتند از:

- امکان تأمین حداقل معیشت برای کارگر و خانواده وی
- حذف فاصله بین سطوح دستمزد با سطح عمومی دستمزدها برای کار مشابه و رفع تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها
- اعمال فشار بر سطح عمومی دستمزد
- استفاده از حداقل مزد به مثابه مؤلفه‌ای برای تعیین سیاست‌های ناظر بر رشد سریع اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد
- کاهش فقر در میان طبقات آسیب‌پذیر و محروم
- رفع و یا کاهش فشار بر کارفرمایان از طریق تشکل‌های کارگری.

اهداف تعیین حداقل دستمزدها و به تبع آن، تعیین سایر سطوح دستمزدی برای سایر کارگران، دارای جنبه اقتصادی - اجتماعی است و عمدتاً بدین منظور است که زندگی خانواده‌های کارگران در حداقل معینی تأمین گردد. در غیر این صورت، هرگونه فشار بر زندگی این قشر، تأثیر منفی بر اقتصاد کشور بر جای گذاشته و مشکلات فراوانی را برای واحدهای تولیدی فراهم خواهد آورد که ممکن است با نتایج منفی بر تداوم فعالیت

چشم‌انداز روابط سوریه و اسرائیل

سوریه: یک بام و چند هوا



به احتمال قوی در آینده روابط سوریه و اسرائیل، مسأله جولان، کلیدی‌ترین نقش را دارد و به نوعی خط قرمز طرفین محسوب می‌شود. ولی اگر این مسأله حل شود، احتمالاً باید منتظر پیوستن سوریه به جمع دیگر کشورهای عربی بود.

بحران غزه و جنگ ۲۲ روزه اسرائیل با حماس، بر روند مذاکرات صلح سوریه و اسرائیل که با میانجی‌گری ترکیه در جریان بود، سایه انداخت. سوریه از دیرباز در راستای منافع ملی خود از هر اهرمی جهت تحقق اهدافش که همان آزادسازی جولان از دست اسرائیل می‌باشد، استفاده نموده است. سوریه در همین راستا چندین بار بر سر میز مذاکره با اسرائیل نشسته است. سوریه در طول مذاکره با اسرائیل و با عنایت به سابقه تاریخی، نسبت به نیت و اهداف اسرائیل مشکوک می‌باشد، چراکه اسرائیل به جهت بی‌ثباتی در هیأت حاکمه خود هیچ‌گاه به تعهداتش عمل نکرده است. به همین جهت، در روند مذاکرات فعلی، ولید معلم، وزیر خارجه سوریه، که به فرانسه سفر کرده بود، در گفت‌وگو با خبرنگاران اظهار داشت: «سوریه به دنبال تضمین‌هایی از اتحادیه اروپا و آمریکا برای تداوم مذاکرات خود با اسرائیل بوده و هدف از این مذاکرات، ایجاد شرایط لازم جهت گفت‌وگو و گوی مستقیم طرفین برای دستیابی به صلح می‌باشد.»

سوریه به راستی آغاز مذاکرات مستقیم با اسرائیل، متقاضی رایبه تضمین‌های لازم از سوی آمریکا و دخالت اروپا، روسیه و سازمان ملل در این خصوص می‌باشد، ولی به جهت عدم ثبات در اوضاع داخلی اسرائیل و رقابت جریان‌های سیاسی موجود در آن رژیم، رایبه تضمین از سوی اسرائیل ناممکن است. به علاوه، نگرش‌های رایج در هیأت حاکمه اسرائیل بسیار متناقض می‌نماید. سوریه مدعی است از طریق رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، تضمین‌هایی را مبنی بر آمادگی اسرائیل برای بازگرداندن بلندی‌های جولان به سوریه دریافت کرده است. سوریه بارها گفته که بازگرداندن کامل بلندی‌های جولان را مسأله‌ای چالش‌برانگیز می‌داند. البته همه این توافقات قبل از موضع‌گیری اخیر اردوغان در اجلاس داووس و علیه رژیم صهیونیستی بوده و احتمال دارد شرایط در آینده تغییر کند.

طبق اخبار موجود، اسرائیل و سوریه به توافقی مبنی بر برگزاری مرحله چهارم مذاکرات خود در استانبول رسیده‌اند. در این خصوص ایهود اولمرت، نخست‌وزیر اسرائیل، اعلام کرد: «ممکن است مذاکرات مستقیم ما به زودی آغاز شود. گفت‌وگوهای غیرمستقیم ما با

سوریه بسیار جدی است و مشکلات کمتر از آن چیزی است که گفته می‌شود. «از سوی دیگر بحث صلح خاورمیانه و تحقق صلح میان اسرائیل و سوریه به یک مسأله جدی برای اروپا و آمریکا تبدیل شده است. جناح حاکم اسرائیل به شدت در پی تحقق صلح می‌باشد؛ چراکه می‌خواهد از این موضوع در راستای انتخاب پارلمانی استفاده کند. آمریکایی‌ها نیز در دوره ریاست جمهوری اوپاما سعی دارند با ابتکار عمل وارد صحنه شوند. از سوی دیگر، فرانسه به عنوان نماینده اروپا حضور خواهد یافت. سفر آقای ولید معلم و بشار اسد به فرانسه و رایزنی مقامات فرانسه با مقامات سوریه و اسرائیل حاکی از اهمیت این موضوع برای فرانسوی‌ها می‌باشد. لازم به ذکر است که در شرایط فعلی خاورمیانه، سوریه و رژیم صهیونیستی به نتیجه مشترکی مبنی بر حل اختلافات موجود رسیده‌اند. همان‌طور که مقامات سوریه در گذشته و حال اعلام کرده‌اند، مشکل اساسی آنها با اسرائیل مسأله بلندی‌های جولان می‌باشد و در صورت حاکمیت بر جولان حاضرند با اسرائیل روابط دیپلماتیک برقرار کنند.

از سوی دیگر، اسرائیل نیز به این نتیجه رسیده است که با پس دادن بلندی‌های جولان طی شرایط خاص و اخذ تضمین‌های لازم از سوریه و آمریکا، امنیت خود را تأمین نماید و با این بهانه می‌تواند گروه‌های اسلامی و جهاد را سرکوب کند؛ چون یکی از موارد مورد مذاکره اسرائیل با سوریه، عدم حمایت و پشتیبانی سوریه از گروه‌های جهادی و به رسمیت شناختن دولت فتح در فلسطین است. در این راستا شاهد بودیم که در طول ۲۲ روز جنایت اسرائیل علیه مردم غزه، سوریه نسبت به انتظاری که از آن کشور می‌رفت، کمتر عکس‌العمل نشان داد و بیشتر در قالب مذاکرات دیپلماتیک با موضوع برخورد نمود که این خود حاکی از نرمش سوریه در آغاز روند مذاکرات دو جانبه با اسرائیل می‌باشد. در پایان باید گفت مسأله مذاکرات اسرائیل و سوریه یک موضوع جدی است که از حمایت جهان عرب، اروپا و آمریکا برخوردار می‌باشد و باید دید که روابط سوریه و اسرائیل چه تأثیری می‌تواند بر روابط ایران و سوریه داشته باشد. ■